

خانواده در اندیشه فقهی و تربیتی آیت الله محسنی

□ محمد احسانی *

چکیده

خانواده از موضوعات مهم زندگی بشر و دارای کارکردهای مختلف است که نقش اساسی در صلاح و فساد جامعه دارد. جنبه فقهی و تربیتی خانواده از جمله کارکردهای آن است که مورد بحث دانشمندان قرار گرفته و هرکدام طبق نظریه خود درباره آن سخن گفته است. این دو کارکرد خانواده بدین منظور از دیدگاه آیت الله محسنی بررسی شده که ضمن آگاه سازی خانواده‌ها، بتواند در رفع چالش و آسیب زدایی از این نهاد مؤثر در حیات اجتماعی کمک کند. این موضوع با روش استدلالی - استنادی تحقیق و به این یافته‌ها نائل شده است: ظرف اجرای احکام فقهی، آرامش بخشی، تکامل معنوی و جای امن بودن برای زندگی زنان و کودکان از جمله کارکردهای فقهی - معنوی خانواده و همچنین تربیت اولاد، انتقال ارزش‌ها، پرورش حجاب و اصلاح جامعه در زمره کارکردهای تربیتی - اجتماعی آن می‌باشند. در نهایت با تحقق کارکردهای یادشده چالش‌های خانواده رو به کاهش رفته در نتیجه به ثبات و استحکام تبدیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خانواده، اندیشه، فقه، تربیت، رویکرد، آیت الله محسنی.

مقدمه

خانواده در طول تاریخ از موضوعات مهم و قابل توجه عالمان و اندیشمندان مسلمان و غیر مسلمان بوده و هست و امروزه نیز از چنین جایگاهی برخوردار می‌باشد. صاحب‌نظران و رهبران و نویسندگان در برابر این موضوع بی‌تفاوت نبوده و درباره آن سخن گرفته و مطالب زیادی نوشته‌اند. از عالمانی که در مورد خانواده و اهتمام به آن سخن و بحث فقهی و تربیتی و اجتماعی داشته، آیت‌الله محمد آصف محسنی بوده که در آثار مختلف و بیانات گوناگون در این زمینه وارد شده است. این امر، نشان دهنده اهمیت خانواده به نظر ایشان است و این که اصلاح خانواده، سرانجام به اصلاح جامعه منتهی می‌شود. زیرا خانواده تشکیل دهنده اجتماع بزرگ‌تر است که در واقع قریه، شهر و کشور پدید آمده از خانواده‌ها و افراد بیرون آمده از آنها می‌باشد.

چالشی که امروزه در جوامع مسلمان و غیر مسلمان وجود دارد، عدم پایداری و تزلزل بسیاری از خانواده‌ها است و به این علت آنها به هدف اصلی خود نمی‌رسند. این مسئله نیاز به تحقیق و بررسی دارد که چرا این گونه است و چرا برخی خانواده‌ها در حین تشکیل یا بعد از شکل‌گیری زود دستخوش تزلزل شده در استمرار با چالش مواجه می‌شوند. بررسی کارکردهای خانواده و آگاهی زنان و مردان از آن می‌تواند در حل مشکلات خانواده کمک کند. از این‌رو، به نظر می‌رسد واکاوی ابعاد و کارکردهای فقهی و تربیتی خانواده بدین منظور از دیدگاه عالم جامع‌الاطراف، شخصیت‌اندیشمند، آگاه به مسائل روز و آینده‌نگر آیت‌الله محسنی، در این زمینه کارساز و تأثیرگذار است.

با توجه به لزوم رشد خانواده در جهت مادی و معنوی حیات انسانی، انجام تحقیق حاضر ضرورت دارد و بر این اساس، مقاله با استناد به منابع اسلامی و آثار آیت‌الله محسنی و با روش استنادی استدلالی رایج در حوزه‌های علمی و مراکز علمی و پژوهشی به انجام می‌رسد. این مقاله با تعریف مفاهیم کلیدی و تبیین رویکردهای نظری، به بررسی کارکردهای فقهی و تربیتی خانواده می‌پردازد.

مفهوم‌شناسی

مفاهیم اصلی به کار رفته در موضوع تحقیق عبارتند از خانواده، اندیشه، فقه و تربیت. با توجه به گستردگی معنایی و ابهام در مفهوم این واژگان، تعریف و بیان مقصود از آنها در آغاز بحث ضروری است. چه اینکه بدون شناخت معنای مورد نظر از کلمات کلیدی، نمی‌توان مسیر درستی را در پژوهش انتخاب کرد و به نتایج مطلوب دست یافت. از این رو، در این قسمت از نوشتار به شناسایی و تعریف واژگان اساسی به کار رفته در این تحقیق اشاره می‌شود. بدین وسیله هم بیان و ارائه مباحث به مخاطبان آسان‌تر و هم فهم مطالب برای خوانندگان راحت‌تر می‌گردد.

۱. خانواده

کلمه «خانواده» از یک سو، برگردان واژه لاتین (Family) در اصل از ریشه (Familia) به معنای برده و خدمتکار گرفته شده است (اعزازی: ۱۳۷۶، ص ۱۰). از سوی دیگر، در زبان عربی معادل کلمه «أُسْرَه» است که به معنای دژ نفوذ ناپذیر و زره محکم می‌باشد (الزحیلی: ۱۴۲۰ق، ص ۱۹). صاحب نظران هر کدام بر اساس تخصص و حوزه کاری خود تعریفی از «خانواده» ارائه داده‌اند. برخی، خانواده را یک سازمان اجتماعی دانسته، بعضی روابط خویشاوندی و همخونی را اساس تشکیل خانواده تلقی کرده‌اند؛ عده‌ای دیگر عامل اقتصادی و گروهی عوامل روانی و جنسیتی را سبب پیدایش آن قلمداد کرده‌اند (فرجاد: ۱۳۷۲، ص ۱۱). منظور از خانواده در این مقاله کوچک‌ترین شکل انسانی است که از اجتماع دست کم، یک مرد و زن پدید می‌آید و اساس همزیستی آن دو را پیوند زناشویی از طریق ازدواج شرعی و قانونی شکل می‌دهد. این شکل انسانی، ممکن است در اثر تولد فرزند به تدریج افزایش یابد و افراد بیشتری را شامل گردد.

نکته مهم در مورد خانواده استحکام و نفوذ ناپذیری آن در برابر عوامل منفی و موانع تحکیم این نهاد دینی و اجتماعی است. این ویژگی هم از معنای لغوی، یعنی أُسْرَه و دِزِی محکم و خلل ناپذیر به دست می‌آید و هم متخصصان مسائل خانواده بر آن توافق نظر دارند. فرهنگ حاکم بر جوامع بشری در چگونگی شکل‌گیری و نوع رفتار درون خانوادگی نقش اساسی دارد

(القصیر: ۱۹۹۹م، ص ۳۳). بر این اساس، بنیاد خانواده در فرهنگ اسلام ویژگی‌هایی دارد متفاوت از آنچه در دیگر فرهنگها و به خصوص فرهنگ غرب مشاهده می‌شود. چنان که استحکام خانواده از آیات قرآن به خوبی به دست می‌آید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» (روم: ۲۱) یکی از نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسر آفریده تا وسیله سکون و آرامش شما باشد. از این آیه استحکام خانواده به خوبی قابل استفاده است. چرا که اولاً آفرینش همسری از جنس خود انسان، نه از جنس ملک و جن، دلیل بر سازگاری و زندگی پایدار خانوادگی است و هرگاه همسری از جنس غیر آدمی می‌بود، میزان سازگاری کاهش پیدا می‌کرد. ثانیاً بر قراری آرامش که همان سکینه در محیط خانواده است، تحکیم پایه‌های خانواده را نشان می‌دهد و گرنه با اختلاف و نزاع آرامش حاصل نمی‌شود. بر این اساس، خداوند در آیه دیگر زن و مرد را لباس همدیگر تعبیر کرده می‌فرماید: «هِنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۲) زوجین در حکم لباس برای یکدیگر هستند. این تشبیه دلیل دیگری بر تحکیم خانواده از نظر اسلام و قرآن است که زن و شوهر مانند لباس و بدن به هم تنیده‌اند و به آسانی از یکدیگر جدا نمی‌شوند.

۲. فقه

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن (موسوعه فقه الاسلامی: ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۷) و در اصطلاح علم اصول، علم به احکام شرعی است که این احکام وظایف عملی انسان را معین می‌کند. منظور از فقه همین معنای اصطلاحی است که متکفل تبیین احکام شرعی به صورت فتوا برای مکلفین می‌باشد که به وسیله فقها بیان شده است (گرچی: ۱۳۷۷، ص ۷). به عبارت دیگر، فقه، دانستن احکام شریعت است از راه استدلال و برهان، به نحوی که برای انسان علم به وظیفه حاصل شود (مطهری: بی‌تا، ص ۵۴). در قرآن کریم هم فقه به همین معنا به کار رفته است: «لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ» (توبه: ۱۲۲) باید بعضی از شما تفقه در دین کنند، یعنی احکام دین و حلال و حرام الهی را فراگیرند و بفهمند تا برای دیگران بیان نمایند. منظور از «علم فقه» آگاهی به احکام شرعی از راه‌های دلایل اثبات‌کننده آن است، یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع (سیوطی: ۱۴۰۴ق،

ج ۲، ص ۲۶). فقیه در اصطلاح به کسی اطلاق می‌شود که احکام شرعیه را توسط رأی و اجتهاد خودش از منابع یادشده به دست آورد (تقوی: ۱۳۷۴، ص ۲۱۱). منظور از فقه در این مقاله احکام فقهی خانواده است که از دیدگاه آیت‌الله محسنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳. تربیت

واژه «تربیت» به لحاظ هیئت شناسی، مصدر باب «تفعیل» و حاوی معنای فاعلی است که ارتباط نزدیک با مفهوم «رَبِّ» پیدا می‌کند؛ زیرا به قول راغب «رب» نیز مصدر است و مستعار برای فاعل، یعنی به مربی و کسی اطلاق می‌شود که فرایند تربیت را در عمل اجرا می‌کند. چنان که هر جا واژه‌ی رَبِّ در قرآن به کار رفته به معنای تربیت کننده و پرورش دهنده است و این کلمه به صورت مطلق فقط بر خدای متعال به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۶ق، ص ۳۳۶). منظور از تربیت در این جا عبارت است از: فرایند یاری رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفا کردن استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد (اعرافی: ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۴۱). آیت‌الله محسنی در مورد خانواده و روابط زن و شوهر مطالب فراوانی بیان کرده که در آثار مکتوب ایشان موجود است و می‌توان خانواده معتدل را از دو جهت فقهی و تربیتی بر محور دیدگاه آن مرحوم بررسی نموده به نتیجه رسید.

۴. اندیشه

اندیشه^۱ به معنای فکر و ایده و اندیشیدن به مفهوم تعقل و تفکر نمودن، خاص ذهن فعال انسان است که در موضوعی به فعالیت‌های نظری و خردورزی می‌پردازد (معین: ۱۳۸۷، ص ۱۳۴). اندیشه در اصطلاح تعلیم و تربیت به تفکر منسجم، هدفمند، دارای ساختار مشخص و برخوردار از اصول منطقی و مستدل در زمینه معینی از آموزش و پرورش اطلاق می‌شود (لطفی:

1 .Idea.

۱۳۹۴، ص ۱۱). براین اساس، اندیشه فقهی و تربیتی^۱ به مجموعه تفکرات بنیادین و هماهنگ درباره فقه و تربیت مربوط به خانواده گفته می‌شود که مبنا و اساس مسیر فرایند احکام فقهی و پرورش متریان را تشکیل داده، جهت‌گیری و سمت و سوی آن را کاملاً ترسیم می‌کند (فیروزآبادی: ۱۴۱۵ق، ص ۱۶). با این وصف، اندیشه تربیتی در حقیقت یک مفهوم بسیط نیست، بلکه یک بسته فکری و مجموعه‌ای از اجزا و به عبارت دیگر یک پکیجی است دارای عناصر مختلف که مجموع آنها به نتیجه مورد نظر مربی نائل می‌شود. همچنین اندیشه تربیتی از یک نوع عمق و ژرفایی برخوردار است که خود برای اجرای فرایند تربیت پایه و اساس فعالیت‌های تربیتی شمرده می‌شود. بر بنیاد آن اندیشه فقهی و تربیتی است که فرایند احکام فقهی و تربیتی نسل جوان به خوبی به اجرا درآمده، به نتیجه مطلوب نائل می‌گردد. در این نوشتار اندیشه فقهی و تربیتی آیت‌الله محسنی در ارتباط با خانواده مدنظر است که بر اساس مطالب مندرج در آثار مکتوب ایشان مورد واکاوی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

اشاره‌ای به زندگینامه آیت‌الله محسنی

آیت‌الله حاج شیخ محمد آصف محسنی فرزند مرحوم محمد میرزا از تبار پشتون شیعه افغانستان در تاریخ (۵/۲/۱۳۱۴ ه.ش) برابر با (۲۲ محرم ۱۳۵۴ ه.ق) در شهر قندهار افغانستان، چشم به جهان گشود. او آموزش‌های ابتدایی را در مکتب‌خانه این شهر تاریخی آغاز کرد و از ده سالگی نزد پدر به خواندن و نوشتن پرداخت (محسنی: ۱۳۹۱). آیت‌الله محسنی در ۱۴ سالگی (۱۳۲۸ ش) به همراه خانواده به پاکستان رفت و در شهر کوئته مستقر گردید و زبان اردو را همانجا آموخت. وی پس از بازگشت از پاکستان، مدتی در شرکت برق کار کرد و سپس در سال ۱۳۳۰ ش در اتاق بازرگانی قندهار مشغول به کار شد. (نت) شیخ آصف محسنی در سال ۱۳۴۰ ش با دختر عمه خود ازدواج کرد و صاحب سه پسر به نام‌های عبدالله، حفیظ و حبیب شد. همسر اول آیت‌الله و فرزند ارشد او، در زمان حیاتش از دنیا رفتند. آیت‌الله محسنی، مقدمات علوم دینی را از نزد علمای قندهار فراگرفت و سپس به روستایی

در ولسوالی جاغوری از توابع ولایت غزنی رفت و کتاب‌های هدایه، سیوطی و حاشیه ملاعبداللہ و مقداری از معالم و لمعه را آنجا آموخت. محمدآصف محسنی، جهت ادامه تحصیل راهی نجف اشرف در کشور عراق شد که تنها حوزه علمیه شیعه به حساب بود. او در تاریخ ۱۳۳۲/۴/۱۲ ش وارد نجف شد. ایشان در مدت کمتر از ۳ سال، باقیمانده سطوح دروس حوزه علمیه را به پایان رساند. چنانکه خود او گفته، تعطیلات حوزه برایش خوشایند نبود و روزهای تعطیل هم مشغول به درس می‌شد (نت).

جایگاه علمی آیت‌الله محسنی

آیت‌الله محسنی از معدود علمای معاصر جهان اسلام دارای ابعاد مختلف علمی، پژوهشی، آموزشی، سیاسی، مدیریتی، اجتماعی و تربیتی است که او را شهره منطقه و جهان ساخته و هرکدام از آثار به یادمانده از ایشان بیانگر بخشی از شخصیت علمی و اجتماعی او می‌باشد. ایشان از سویی نسبت به مسئله تحقیق و پژوهش و از سوی دیگر نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی امت اسلام به ویژه افغانستان دغدغه جدی داشت. او از علمای شیعه و نژاد پشتون افغانستان، مدافع تقریب مذاهب اسلامی، سالها رئیس شورای علمای شیعه افغانستان، و بنیانگذار حوزه علمیه و دانشگاه خاتم النبیین در کابل است. ایشان همچنین عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام، رهبر پیشین حزب حرکت اسلامی افغانستان و مؤسس تلویزیون تمدن می‌باشد. آیت‌الله محمدآصف محسنی، در علوم مختلف حوزوی از قبیل فقه و اصول فقه، علم رجال، علم کلام، تفسیر قرآن، اخلاق و دیگر موضوعات آثار قابل توجهی تدوین و به یادگار گذاشته است.

رویکردهای نظری به خانواده

در مورد زنان و خانواده دیدگاه‌های متعدد و گاه متضاد در حوزه نظری وجود دارند که هر کدام از صاحب نظران، بر اساس اندیشه‌های فلسفی و دینی خود به دفاع از زن و حیات فردی، خانوادگی و اجتماعی او در خانواده پرداخته‌اند. دیدگاه‌های زیادی درباره زن و خانواده وجود دارند که در این جا به خاطر ارائه بهتر مطالب و همچنین سهولت دریافت آن برای مخاطبان و

خوانندگان به مهم ترین رویکردهای نظری که در مورد زنان و خانواده تأثیر گذارند، اشاره می‌شود. در نهایت دیدگاه آیت الله محسنی در ارتباط با زن و خانواده روشن می‌گردد.

۱. نظریه تفریط‌گرایی به خانواده

این نوع نظریه اغلب در فرهنگ غرب شکل یافته و حاکمیت دارند که نقطه مشترک آنها تقریباً بر مبنای انسان‌گرایی استوارند و بر این اساس توضیحی درباره آن ارائه و نقدی هم بر این نگاه به نهاد خانواده صورت می‌گیرد. اصطلاح «اومانیزم»^۱ در فارسی به معنای بشر دوستی، انسان‌گرایی، انسان‌مداری، مکتب اصالت انسان و دل‌بستگی به مسایل مربوط به انسان، به کار می‌رود (حییم: ۱۳۸۷، ص ۳۴۵). انسان‌گرایی به مفهوم رایج آن، نگرشی است که در نظام هستی اصالت را به انسان می‌دهد و او را محور همه چیز تلقی می‌کند. اومانیزم، در ابتدا بر یک جریان تحقیقاتی اطلاق می‌شد که در برابر ادبیات الهی و مسیحی قرار داشت و متون یونانی را در عصر رنسانس مورد مطالعه قرار می‌داد. به تدریج در بین قشر جدید که اندیشه جدایی از کلیسا را در سر داشتند، از فرهنگ مسیحیت عدول کرد. این حرکت به نوبه خود، حرکتی در جهت دنیاگرایی در مقابل خداگرایی و توجه خاص به انسان شمرده می‌شد. نگرش اومانیزم با حفظ اصول اندیشه اومانیزمی، به مرور زمان به شاخه‌های مختلف تبدیل شد که عبارتند از: اومانیزم ادبی،^۲ اومانیزم رنسانسی،^۳ اومانیزم فلسفی،^۴ اومانیزم مسیحی،^۵ اومانیزم دنیاگرا،^۶ و اومانیزم دینی.^۷ اومانیزم جدید^۸ که مدل نسبتاً نو آن است، به نوبه خود به عنوان‌های فرعی تری چون اومانیزم ناتورالیستی، اومانیزم علمی، اومانیزم اخلاقی و اومانیزم دمکرات تقسیم می‌شود (طاهری: ۱۳۸۳، ص ۶۰).

1. Humanism.
2. Literary Humanism
3. humanism renaissance
4. philosophical humanism.
5. Christian humanism.
6. secular humanism.
7. religious humanism
8. Modern humanism.

در مجموع نگرش اومانیستی به انسان با هر عنوانی باشد، به فلسفه‌ای اطلاق می‌شود که هر گونه موجود ما فوق طبیعی را انکار و عمدتاً بر عقل، علم، دموکراسی، رحمت و عطوفت انسانی تکیه دارد (نت). اومانیسم با تمام فروعاتی که دارد و تحولاتی که به خود دیده است، در یک نقطه مشترک هستند و آن اینکه به انسان اصالت قائلند و انسان را محور همه چیز دانسته به او مقام خدایی می‌دهند. در این نگرش، انسان محور هستی است، نه خدا و در نهایت انسان محوری، حاکم بر خدا محوری است. نگرش اومانیسم که متفرع بر اندیشه سکولاریستی است، بیشتر چهره فلسفی سیاسی دارد و این دیدگاه در واقع اساس فرهنگ غرب و نحله‌های فکری آن سرزمین را تشکیل می‌دهد؛ به نحوی که همه جریان‌های فکری و سیاسی غرب مانند فمینیسم مبتنی بر آن است (همان: ص ۶۱). اگر از این نگاه به زن و خانواده نگریسته شود، یک نوع نگاه تفریطی هم به زن و هم به نهاد مقدس خانواده است که آن را از جایگاه واقعی و حقیقی‌اش تنزل می‌دهد. خانواده را که در حقیقت کانون مهر و محبت و تربیت نسل جوان است به یک چیز بی‌ارزش و به نظر خودشان محل نگهداری بالاجبار زن تنزل می‌دهند. بنابراین، بر مبنای نظریه تفریطی اومانیسمی و نگرش فیمینیستی آنچه از ارزش‌ها و اثرگذاریهایی که از کانون خانواده انتظار می‌رود، نباید از آن انتظار داشت.

نقد نظریه تفریط گرایی

خانواده براساس دیدگاه تفریطی اومانیسم و نگرش برآمده از آن، یعنی فیمینیسم سوق دادن اعضای خانواده به سوی خود محوری، تکبر و خودبینی است، نه همگرایی و دیگرسازی که از منظر دینی هم اگر برای خدا انجام گیرد، مطلوبیت دارد. زیرا اقتضای اندیشه اومانیسم و فیمینیسم جز این، نمی‌تواند باشد. جداسازی زن و اعضای خانواده از فطرت انسانی و هویت دینی و انحراف آنها از مسیر صحیح دینی و اسلامی، از دیگر پیامدهای منفی نظریه اومانیسمی و فیمینیستی به خانواده است که امروز دامنگیر جوامع مغرب زمین شده است. از این نظر، خانواده خالی از معنویت و اخلاق و ارزش‌های دینی است و این گزاره‌ها جایگاهی در این نهاد مشترک زناشویی ندارند.

خانواده با نگرش اومانیستی و فیمنیستی به معنی سوق دادن زنان به سوی خود محوری به جای خدا محوری و خودگرایی به جای همگرایی است. یعنی جداسازی آنان از فطرت انسانی و هویت دینی و همچنین منحرف ساختن آنها از رشد روحی و معنوی و در نتیجه سقوط دادن ایشان در منجلاب ضلالت و گمراهی ابدی می‌باشد. چه اینکه نگرش انسان گرایی به خانواده در صدد حذف برنامه‌های دینی از نظام خانواده است. چون این نگرش بر رویکرد پدیدار شناختی و روان شناسی وجودی مبتنی است که این دو نگرش بر تجربه‌های خصوصی مشخص افراد در وضعیتهای وجودی آنان تأکید دارند (بهشتی: ۱۳۸۷، ص ۳۹۷-۴۰۲). برای این اساس، هر فرد دارای دنیای مخصوص به خود است و واقعیت برای او چیزی جز همان دیدگاه مخصوص به وی نمی‌باشد. یعنی انسان خود تمام حقیقت است و نیاز به نیروی ماورای خویش ندارد. خانواده با این مبنا در حقیقت فرد را به اهمیت دادن به وجود و هویت خویش و رویگردانی از خدا، فرامی‌خواند (نت). خلاصه اومانیزم به این معنی اگر مبنای فکری خانواده قرار گیرد، مساوی با الحاد و انکار وجود خدا است؛ چنان که اومانیزمها خود نیز به این حقیقت اعتراف دارند (قنبری: ۱۳۸۳، ص ۲۰-۲۲). در نتیجه خانواده براساس نگرش اومانیزم برابر است با تلاش در جهت الحاد و بی‌دین سازی اعضای آن نه انتقال ارزش‌ها و تربیت نسل جوان.

۲. نگاه افراطی به خانواده

کلمه «إفراط» و «تفریط» هر دو از ریشه «فَرَطَ» و إفراط در فرهنگ لغت به معنای زیاده‌روی، عدم تعادل و خروج از میانه و حد اعتدال آمده است. در مقابل، «تفریط» به معنای کوتاهی، غفلت، سهل انگاری و به هم ریختگی به کار رفته است (آذرتاش: ۱۳۸۱، ص ۵۰۳). إفراط و تفریط در واقع هر دو خروج از حد اعتدال است؛ منتهی یکی به خاطر زیاده‌روی و دیگری به جهت کوتاهی در رسیدن به نقطه اعتدال دچار یک جانبه گرایی می‌شود. هم رویکرد افراط گرایانه و هم تفریط گرایانه به لحاظ اخلاقی و ارزشی تقریباً هر دو در همه زمینه‌ها، در زمره نگرشهای منفی شمرده شده است. چرا که خروج از اعتدال در فکر و عمل مواجه با آسیبهایی است که

قابل پیش بینی و جبران نیست. همچنین بیرن شدن از اعتدال در رفتار و عمل کرد زیانبارتر از تفکر انحرافی است. در مورد زنان و خانواده این دو رویکرد وجود دارند، هم تفریطی همان گونه که اشاره شد و هم رویکرد افراطی.

منظور از نگرش افراطی در این جا، دیدگاهی است که موانعی در مسیر رشد علمی و فرهنگی و اجتماعی زنان و دختران ایجاد نموده و از تحصیل و فعالیتهای مشروع و قانونی آنان باز می دارد. این رویکرد از آن جا افراطی است در مورد حقوق خانواده و زنان و زندگی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی آنان که همه فعالیتهای آنها بسته است. این رویکرد به زنان و خانواده بیشتر از طرف کسانی در جهان مطرح و حمایت می شود که ادعای اسلامیت خالص دارند و حتی مخالفان افکار خود را به خروج از حوزه اسلام متهم می کنند. این رویکرد امروزه در بسیاری از کشورهای اسلامی مانند عربستان و پاکستان و دیگر جوامع عربی نفوذ دارد، طرفدار عدم حضور زنان در مجامع عمومی و در نتیجه محدودسازی فعالیتهای آموزشی و اجتماعی آنها است.

نقد رویکرد افراطی

این رویکرد به هیچ وجه مورد قبول دانشمندان و صاحب نظران مسلمان نیست، چون مخالف صریح قرآن و سنت رسول الله ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام و بزرگان دین است. چرا که اسلام و قرآن بر محوریت توحید در زندگی فردی و خانوادگی انسان اعم از زن و مرد تأکید دارد (نور: ۲۲). دیدگاه افراطی، دیدگاهی است که در جوامع اسلامی کم و بیش رواج یافته و اغلب با تفکرات سنتی یا جریانهای سیاسی درآمیخته و در نتیجه دچار یکسو نگری و تندروری در مورد زنان و خانواده شده است. این رویکرد در نوع خود متفاوت از دیگر رویکردها است و اهداف و برنامه های خاصی خود را دنبال می کند. این دیدگاه با نظریات آیت الله محسنی در مورد زن و خانواده سازگاری ندارد، بلکه در تضاد با دیدگاههای ایشان است. چرا که ایشان فعالیت زنان را با حفظ شروط اسلامی جایز می داند و به نظر ایشان زن می تواند در فعالیتهای آموزشی و تربیتی و حتی سیاسی اجتماعی بیرون از خانه مشارکت داشته باشد.

حضرت آیت الله محسنی در مسأله ۲۸۷ توضیح المسائل سیاسی می فرماید: «کار کردن زنان در اموری که عفت و حجاب آنان در خطر نباشد و از نظر فیزیکی مقدور و از نظر روانی برای آنان مشکل نباشد اشکالی ندارد» (محسنی: ۱۳۹۱، ص ۱۴۶). مفهوم این کلام این است که زنان در صورت حفظ حجاب و عفت می توانند بیرون از منزل دست به کار شوند. انحصار زنان در فضای خانه یک نگاه افراطی به زن و خانواده است که برخی گروههای سلامی بر این باور تکیه دارند. چنین چیزی نه در اسلام وجود دارد و نه در اندیشه آیت الله محسنی که شواهدی از سخنان ایشان در این زمینه فراوان هستند، ولی به دلیل رعایت اختصار به نمونه ارائه شده بسنده شده است.

۳. نظریه اعتدالی به خانواده

اسلام نگرش جامع و متوازن به زن و خانواده دارد و همه نیازها و ابعاد مختلف او را مدنظر قرار داده است. از این نظر، زن همانند مرد می تواند در جامعه حضور یابد و به فعالیتهای تربیتی و اجتماعی پرداخته به آن ادامه دهد. اسلام دیدگاه متعادل و واقع بینانه به زن و خانواده دارد، نه دیدگاه تخیلی و همراه با توهم و بدون واقعیت؛ به گونه ای که هم توجه به نیازهای زن و خانواده دارد و هم وی را از ابعاد مختلف پرورش می دهد. از آن جا که بیش از ۹۹ درصد مردم افغانستان مسلمان هستند و از مکتب اسلام پیروی می کنند، این نگرش بیشتر در میان آنان مورد قبول است و در زندگی اجتماعی آنها کاربرد دارد. چرا که هم با فرهنگ بومی این مردم سازگار است و هم با خصوصیات دینی و اسلامی آنها تطابق دارد. براین اساس، خاستگاه نگرش معتدل در افغانستان، تعهد مردم آن سرزمین به اسلام و قرآن بوده است.

آیت الله محسنی دقیقاً همین رویکرد اعتدالی را به خانواده دارد و این مطلب از آثار علمی و سیره عملی ایشان نسبت به زنان و خانواده به خوبی برمی آید. ایشان در مورد تفاوت حقوق زن و مرد در مسأله ۱۶۰ توضیح المسائل سیاسی می فرماید: «حقوق زن و مرد و مسئولیتهای آنان یکسان است مگر در مواردی که دین به علت تفاوتهای فیزیکی یا روانی زن و مرد، طور دیگری دستور داده باشد (محسنی: ۱۳۹۱، ص ۱۰۳). اصل در حقوق زن و مرد به نظر آیت الله محسنی تساوی است، مگر اینکه ثابت شود که خداوند دستور به تفاوت داده است. این تفاوت در حق و حقوق در

واقع بر خاسته از تفاوت‌های فیزیکی و روانی زن و مرد است که خدای متعال طبق اقتضای طبیعت آن دو حکم کرده است. مثلاً نفقه زن را بر مرد واجب قرار داده، به خاطر اینکه توان جسمی مرد در تأمین هزینه زندگی بهتر از زن است. ایشان در مسأله ۱۶۱ همان کتاب این گونه می‌نویسد: «تساوی زن و شوهر به ضرر زن است، مهر و نفقه زن و لباس و مسکن و تداوی که همه حق زن بر شوهر است از بین می‌رود که ضرر جبران‌ناپذیری است، در بسیاری از کشورها برای جمع‌کثیری از مردان و غالب زنان کار پیدا نمی‌شود ولی اسلام زنان شوهردار را بیمه کرده است و حواجی زن به عهده شوهرش قرار گرفته است». (همانجا)

کارکردهای خانواده در اندیشه آیت‌الله محسنی

خانواده دارای کارکردهای متخلفی است که به نظر آیت‌الله محسنی هر کدام از آنها در زندگی فردی و اجتماعی انسان تأثیر بسزا دارد. بدون خانواده نه فرد به کمال می‌رسد و نه جامعه به سعادت و خوشبختی رهنمون می‌شود. فرد و جامعه هر دو در اثر تشکیل خانواده سالم و مستحکم به رشد و کمال مطلوب هدایت می‌گردد. آیت‌الله محسنی در این زمینه نظرات مفید و سودمندی دارد که در این فراز از مقاله به بررسی کوتاه آن اشاره می‌شود.

الف) کارکردهای فقهی-معنوی

با نظر به کثرت کارکرد خانواده و به منظور ارائه بهتر آن به مخاطبان و همچنین فهم آسانتر مطالب برای آنان، کارکردهای خانواده به دو دسته کلی فقهی-معنوی و تربیت-اجتماعی تقسیم و هر دسته با زیر مجموعه‌های مربوطه مورد بررسی قرار می‌گیرد. دسته نخست کارکردهای فقهی و معنوی است که ناظر به دو جنبه فقهی و معنوی کارکردها می‌باشد و در این فراز از نوشتار به صورت اختصار ذکر می‌شود.

۱. خانواده ظرف اجرای احکام فقهی

خانواده دارای ابعاد گوناگونی است که از جمله آنها موضوع سازی برای احکام فقهی است و به نظر آیت‌الله محسنی این جنبه از کارکردهای خانواده مهم‌ترین جنبه آن شمرده می‌شود. از این رو،

ایشان ویژگیهای زن و تفاوتهای او را با مرد در کتاب مستقلی با عنوان «زن در شریعت اسلامی» به تفصیل مورد بررسی قرار داده و از جنبه‌های مختلف جسمی، عاطفی و روحی - روانی بحث کرده است. برای هرکدام از مرد و زن احکام فقهی آن دو را متناسب با خصوصیات فردی آنان بیان نموده است (همان، فصل ۳ و ۲). بر این اساس، برخی از تفاوت‌های ذاتی زن و مرد، موضوع احکام فقهی خاص مربوط به جنس وی قرار گرفته است. از باب مثال توانایی و عقلانیت مرد موضوع حکم فقهی واگذاری مدیریت به او قرار دارد که خداوند در این مورد می‌فرماید:

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ (نسا: ۳۴). مردان، سرپرست زنان هستند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان {مردان} را بر برخی {زنان} برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه مردان از اموالشان برای هزینه زندگی زنان خرج می‌کنند.

این آیه شریفه به موضوع سازی تفاوت‌های فردی زن و مرد برای حکم فقهی اشاره صریح دارد که بدین جهت قیومیت و اداره خانواده به عهده مرد نهاده شده است. چون او توان جسمی برای کسب و کار و تأمین نفقه و فکر و تعقل در مدیریت این نهاد را بیشتر دارد، نه زن که ممکن است در اثر ضعف جسمی و عدم توانایی اداره خانه، چنین نهادی مؤثر در زندگی فردی و اجتماعی را نتواند مدیریت کند و در نهایت با مشکل مواجه گردد. چنان که در مقابل، خصوصیت عاطفی و ضعف بدنی زن زمینه ولایت پذیری او را در محیط خانه فراهم آورده و تحت ولایت پدر و جد پدری قرار گرفته است.

آیت‌الله محسنی در این زمینه می‌فرماید: احساسی بودن، سرعت هیجان، بی‌ثباتی و جوشان بودن عواطف و نیز رقت قلب بیشتر جنس زن، موضوع شده برای لزوم ولایت پدر و جد پدری بر دختران در امر ازدواج آنان که آنها بدون اذن ولی نمی‌توانند همسر انتخاب نموده تشکیل خانواده دهند (محسنی، همان). حکم ولایت پدر و جد پدری بر دختر، ناظر به همین موضوع است که او به لحاظ فکری و روحی - روانی نیاز به پشتوانه دلسوز دارد تا از آسیب‌های احتمالی مصون بماند و مبادا در اثر احساسات و هیجانات در تصمیم‌گیری برای زندگی آینده دچار مشکل شود.

بر این اساس، به لحاظ فقه اسلامی ویژگیهای جسمی و روحی زن و مرد منشأ بسیاری از تفاوت نقشهای اجرایی و اجتماعی آن دو در مقام عمل شده است که این تفاوتها در سطح جامعه ظهور و بروز پیدا می‌کند. زنان، براساس زمینه‌ها و شرایط وجودی خود قادر به انجام برخی از وظایف تربیتی و اجتماعی مانند تربیت فرزند هستند که مردان نه توان آن را ندارند و نه تحمل پذیری و صبوری آن را دارند (امینی: ۱۳۸۱، ص ۱۳). تفاوت جسمی و جنسیتی زن در مجموع موضوع احکام طهارت و نجاست مخصوصاً مسائل مربوط به دمای ثلاثه را به وجود آورده که حکم آن مخصوص زنان است. همچنین احکام دوره حاملگی، زایمان، رضاع و مانند آن هرکدام موضوع احکام خاصی است که در جای خود بیان شده است (محسنی: ۱۳۵۱، ص ۲۴). بنابراین، احکام اختصاصی زن ناشی از تفاوت‌های ذاتی و فردی آنان فراوان است که در کتب فقهی به تفصیل تبیین شده است.

در نهایت نکته مهم در وجود تفاوت‌های زن و مرد این است که این تفاوتها در محیط خانواده موضوع سازند برای صدور احکام فقهی و اسلامی. بدین معنا که هر کدام از تفاوتها موضوعی برای حکم فقهی می‌سازد و با تحقق موضوع، حکم فقهی بر آن مترتب می‌شود. مثلاً قوی بودن نیروی جسمی مرد موضوع است برای حکم فقهی وجوب نفقه زن و اولاد بر مرد و پدر فرزندان و همچنین مدیریت امور خانواده بر عهده او می‌باشد. چنان که آیت الله محسنی در این زمینه می‌فرماید: «بلی آنچه که قابل انکار نیست، این است که قوت بدنی مرد بیشتر از زن است و همین امر مسئولیت مرد را در تنظیم زندگانی اجتماعی بیشتر می‌سازد» (همان، ص ۲۵).

۲. خانواده بستر تکامل معنوی همسران و فرزندان

فضای خانواده در حقیقت کانون گرم برای تکامل معنوی همسران و فرزندان است که با مدیریت صحیح و به کارگیری روشهای مناسب زندگی، هرکدام از اعضای آن به تکامل مطلوب خود نائل می‌شوند. زیرا هر یک از مرد و زن به عنوان همسر در خانه و قرار گرفتن در کنارهم بر یکدیگر تأثیر معنوی و تربیتی می‌گذارند. چنان که امام علی علیه السلام در پاسخ از سوال رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت به همسرش فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «نِعْمَ الْعَوْنُ عَلٰی طَاعَةِ اللَّهِ» (بحار: ج ۴۳، ص ۱۱۷) بدون شک

او بر اطاعت از خدای متعال بهترین یاور و کمک کننده است. بدین معنا که وجود مقدس فاطمه علیها السلام در زندگی مشترک با علی علیه السلام در گفتار و رفتار زمینه ساز و تشویق کننده عمل هر چه بیشتر به دستورات الهی بود؛ هم در عبادات و هم در انفاق و اطعام به نیازمندان و همه امور خیر ترغیب گر علی علیه السلام به آنها بود. بدیهی است که در چنین خانواده‌ای بدون تردید همسران و فرزندان به رشد و تکامل مادی و معنوی لازم می‌رسند. همان طور که امام حسن مجتبی علیه السلام به عنوان فرزند خانواده با مشاهده عبادات مادر و الهام گرفتن از آن در توصیف نمازهای شبانه مادرش فرمود: مادرم را دیدم که در نیمه شب مؤمنین را دعا می‌کند و برای خودش دعا نمی‌کند، گفتم: مادر جان چرا برای خودت دعا نمی‌کنی؟ فرمود: پسر من اول همسایه سپس خانه (همان، ص ۸۲). یعنی ابتدا باید حقوق همسایه را ادا کرد و سپس به حقوق اعضای خانواده توجه کند.

هرچند امام حسن مجتبی علیه السلام معصوم بود و مانند دیگر افراد نیاز به تربیت نداشت، ولی در عین حال رفتار عبادی مادرش زهرا علیها السلام بر روحیه و عمل کرد او تأثیر فراوان گذاشت که از آن به خوبی یاد نموده و به عنوان درس برای دیگران بیان کرده است. این امر، نشان دهنده نقش مادر در تربیت فرزند و اثرپذیری فرزند از مادر است که تحت تأثیر او قرار دارد. در مجموع از این احادیث استفاده می‌شود که خانواده محیط تکامل همسران و فرزندان است و هریک از زوج و زوجه از دیگری و نیز فرزندان از والدین هم آموزه‌های دینی را فرامی‌گیرند و هم آداب و ارزش‌های اخلاقی را دریافت می‌دارند. شاید بر این اساس آیت‌الله محسنی توصیه می‌کند که نباید زن و کودک را از محیط خانه در جای دیگری ببرند. ایشان با انتقاد از فرهنگ غرب و رفتار نامناسب با زنان و کودکان در این زمینه می‌گوید: «بردن زن در کارخانه‌های تولیدی و احاله کارهای شاقه به دوش او، نادیده گرفتن تحمل فیزیکی اوست که جز بدبختی زن چیزی به بار نمی‌آورد، و بدتر از آن بردن زن به کاباره‌ها و رقص خانه‌ها و فاحشه خانه‌ها به نام آزادی و تساوی حقوق و... است که کرامت انسانی زن را به هدر داده او را تا سرحد یک بازیچه شهوت و ملعبه هوسهای حیوانی مردها پائین می‌آورد» (محسنی: ۱۳۹۱، ص ۸۸). این انتقاد شامل کودکان نیز است که در مغرب زمین به حقوق آنها تجاوز می‌شوند و به مکانهای ناامنی می‌برند و کارهای سختی را به آنها واگذار می‌کنند.

۳. خانواده یک نهاد آرامش بخش

تشکیل خانواده آثار متعددی به همراه دارد که یکی از مهم‌ترین آنها ایجاد آرامش روحی و روانی در اعضای خانواده است. زن و مرد با ازدواج و قرار گرفتن در زیر یک سقف معمولاً به آرامش روحی و روانی نائل می‌شوند. زیرا ازدواج و تشکیل خانواده اقتضای طبیعت انسانی است که به صورت فطری و ذاتی گرایش به آن در نهاد بشر نهفته است و یک روند طبیعی را طی می‌کند تا به نتیجه می‌رسد. یعنی دو جنس مخالف زن و مرد بر اساس نیازهای طبیعی با اراده و اختیار به همسر گزینی روی می‌آورند و سرانجام با همدیگر وصلت می‌کنند. از آثار مهم این وصلت ایجاد آرامش در زندگی مشترک است که اغلب برای زوجین حاصل می‌شود. چه اینکه قرآن کریم هم به این موضوع اشاره کرده می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱) از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد. از این آیه استفاده می‌شود که ازدواج زن و مرد امر طبیعی و مطابق با خلقت انسانی است. بدین معنا که هدف ازدواج ایجاد آرامش زوجین در کانون خانواده است و این هدف با تشکیل کانون گرم زندگی مشترک حاصل می‌شود. از این رو، ازدواج به خاطر تأمین کردن بسیاری از نیازهای زن و مرد عامل مهم در ایجاد مودت و رحمت میان آنان و همچنین اثربخشی در فراهم ساختن آرامش روحی برای ایشان دارای اهمیت است.

قرار دادن ازدواج از نشانه‌های خداوند دلیل بر اهمیت آن است که بدون خانواده، زندگی فردی و اجتماعی آدمی با مشکل مواجه خواهد شد. آفرینش زن و مرد از نفس واحد چنان که در قرآن آمده دلیل بر انس بیشتر آن دو به همدیگر است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (نسا: ۲۲) ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان پرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد. این نوع خلقت، عامل آرامش بخش بیشتر همسران است؛ چون اگر همسر از جنس غیر انسان مانند جن می‌بود آن روحیه آرام بخش و طمأنینه قلبی برای زن و شوهر حاصل نمی‌شد. از این رو، این گونه آفرینش که صددرصد به نفع بشر است و با آن ظرافت و مصلحت‌سنجی از

نشانه‌های خدای متعال معرفی شده به گونه‌ای است که با دقت در آن می‌توان خدای متعال را بهتر شناخت و به او ایمان آورد.

در نهایت خانواده کانون ایجاد آرامش روحی و روانی برای همسران و دیگر اعضای خانواده است که آیت‌الله محسنی همواره بر آن تأکید کرده است. به نظر ایشان لطافت بدنی، جذابیت صدا و نیز تنوع طلبی و علاقه‌مندی زن به اینکه تحت نظارت کسی قرار گیرد و به اصطلاح تکیه گاهی داشته باشد، ویژگیهایی هستند که موضوع سرپرستی شوهر را در محیط خانواده بر زوجه فراهم ساخته و زمینه آرامش روانی را برای همسران ایجاد می‌کند. چنان که در کتاب زن در شریعت اسلامی آمده است: «زن علاقه مندتر به زینت و جمال و مُد است. زن تشریفاتی‌تر و پُر حرف‌تر است. زن علاقه مندتر به خانه و خانواده است. زن ناتوان‌تر در حفظ اسرار است» (محسنی: ۱۳۹۱، ص ۲۰). این ویژگیها زن را منفعل و تأثیر پذیرتر از مرد نشان می‌دهند که به زودی ممکن است در صورت بی‌تفاوتی شوهر مورد طمع عیاشان قرار گیرد و بر این اساس، می‌بایست خود را در درجه اول از مردان اجنبی مستور بدارد و در ثانی مراقبت مرد را می‌طلبد تا از او آسیبهای احتمالی مصون بماند. به هرصورت آرامش آفرینی نهاد خانواده امر روشن است و با تجربه هرکس قابل اثبات می‌باشد و نیاز به استدلال و برهان ندارد، همان گونه که آیت‌الله محسنی در آثار و بیانات مختلف بر آن اشاره کرده است.

۴. خانواده محل امن برای زندگی زنان و کودکان

انسان در هر سن و سال نیاز مبرم به امنیت و آسایش دارد و بدون امنیت نمی‌تواند به زندگی اش ادامه دهد. به‌ویژه زنان و کودکان بیش از دیگران نیاز به محیط امن و مکان مناسب دارند تا از گزند حوادث و پیش‌آمدهای ناگوار مصون باشند. زیرا قشر زن و کودک به لحاظ ضعف جسمی احتیاج بیشتر به حفاظت و حراست دارند. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره نعمت امنیت و سلامت بدن می‌فرماید: «نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ» (صدوق: ۱۴۰۳، ص ۳۴) دو نعمت مغفول هستند که شکر آنها چنانکه شایسته است، انجام نمی‌شود و آن دو، امنیت و سلامت جسمانی می‌باشند. در عین حالی که این دو نعمت همواره مورد استفاده آدمیان است و

هر لحظه از آنها بهره می‌برند، ولی کمتر به آن توجه داشته و قدردانی می‌کنند. از این رو، پیامبر اسلام ﷺ در سخن دیگر می‌فرماید: «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَ الْعَافِيَةُ» (فتال نیشابوری: ج ۲، ص ۴۷۲) دو نعمت گمشده، امنیت و سلامت هستند که چندان مورد توجه مردم قرار ندارند. از این رو، وظیفه پاسداری این دو گروه از مردم، یعنی زنان و کودکان به عهده مردان به عنوان شوهر یا پدر نهاده شده تا از آنها حمایت و مراقبت نمایند. در اثر حمایت و پشتیبانی مردان در قالب محرم، چه به عنوان شوهر و چه به عنوان پدر، برادر و مانند آن، امنیت لازم برای زن و کودک در محیط خانه فراهم می‌آید و آنها می‌توانند زندگی امن و آسوده‌ای داشته باشند.

این مطلب از آثار آیت الله محسنی به خوبی قابل استفاده است و ایشان در تفسیر آیه ۳۴ سوره نسا مربوط به قیمومیت و سرپرستی مردان بر زنان و خانواده دو احتمال را مطرح کرده که احتمال دوم، یعنی سرپرستی مرد به عنوان شوهر و پدر خانواده بر اعضای را پذیرفته است؛ نه مدیریت نوع مردان بر کل زنان در جامعه را که در این صورت با مدیریت اجتماعی و سیاسی زنان در اجتماع منافات خواهد داشت و چنین چیزی به نظر ایشان صحیح نیست (محسنی: ۱۳۹۱، ص ۸۳). از این بیان آیت الله محسنی به دست می‌آید که به نظر ایشان معنای آیه دلالت بر سرپرستی مرد خانواده بر اعضای آن دارد که شامل زن و کودک در محیط خانه می‌شود. چون آنها معمولاً در خانه پدر و شوهر بسر می‌برند و تحت سرپرستی آنها قرار دارند. این سرپرستی شامل تأمین نفقه، ایجاد امنیت و فراهم ساختن امکانات زندگی است که مهم‌ترین وظیفه مرد امنیت‌سازی و حراست از خانواده و اعضای آن می‌باشد. بر این اساس از نظر آیت الله محسنی آیه ۳۴ سوره نساء مربوط به مدیریت خانواده و منظور از رجال و ازواج مردان و زنان خانواده هستند. بنابراین، مردان به دو علت شایسته سرپرستی خانواده را دارند؛ یکی به علت توانایی جسمی و دوم انفاق مالی. چه اینکه آنان به خاطر تناسب در کسب و کار و درآمدزایی وظیفه تأمین امنیت و نفقه زن و بچه را به عهده دارند. بدین جهت زنان و کودکان باید تحت سرپرست مردان در امنیت و آرامش و آسایش زندگی کنند (همانجا).

امنیت زنان و کودکان در محیط خانواده تحت سرپرستی مردان چیزی است روشن و نیاز به دلیل ندارد و همگان می‌توانند در زندگی شخصی و اجتماعی خانواده‌ها تجربه و مشاهده

کنند. همان گونه که قرآن مکرر بر این موضوع اشاره و تأکید می‌کند. از جمله در آیه ۶ سوره تحریم این گونه وظیفه مردان را بیان می‌دارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید. این آیه شریفه خطاب به اهل ایمان به هیئت جمع مذکر است که در واقع وظیفه مردان را در فضای خانواده بیان می‌کند. کلمه «اهل» در زبان عربی به اعضای خانواده اطلاق می‌شود و شامل زن و فرزند است. طبق آیه مبارکه مرد خانواده دو وظیفه مهم دارد: نگهداری خود از آتش جهنم که با خودسازی و تزکیه نفس حاصل می‌شود و حفظ زن و بچه از عذاب آخرت که با دیگرسازی و تعلیم و تربیت به دست می‌آید، هر دو به دوش مرد خانواده نهاده شده است.

ب) کارکردهای تربیتی-اجتماعی

دسته دوم از کارکردهای خانواده کارکردهای تربیتی-اجتماعی است که جنبه دیگرسازی دارد، هم در داخل خانه و هم بیرون از خانه، قابل اجرا هستند. بدین معنا که در درجه اول والدین وظیفه تربیت و جامعه‌پذیری فرزندان و در نتیجه نسل جوان اجتماع را به عهده دارند. در این بخش از نوشتار به این دسته از کارکردهای خانواده به نظر آیت‌الله محسنی اشاره می‌گردد.

۱. خانواده کانون تربیت نسل جوان

از جمله کارکردهای مهم و مؤثر خانواده در عرصه حیات انسانی محل تربیتی بودن محیط خانه است که فرزندان به عنوان نسل آینده جامعه در کانون گرم خانواده پرورش می‌یابند. تربیت اولاد در حقیقت کار اصلی زنان در خانواده است که باید با استفاده از روشهای صحیح به انجام آن اقدام کنند زیرا زمینه تولید فرزند و پرورش آن در ذات زن به صورت فطری و ذاتی نهاده شده که فقط از او برمی‌آید اولاد به دنیا بیاورد و در دامن خود تربیت کند. آیت‌الله محسنی در کتاب «وظیفه علمای ما» این گونه به این مطلب اشاره دارد که به دلالت التزامی بر موضوع تولید فرزند و تربیت او دلالت می‌کند:

در احوال شخصیه شیعه در ماده‌ای، یک حکم فقهی متفق علیه بین مسلمانها ذکر شده بود که در فرض علاقه شوهر به آمیزش جنسی، بر زن واجب است تمکین کند.

این ماده از نظر غرض نکاح و با توجه به وجوب همه مصارف موارد نیاز زن از قبیل نفقه و لباس و مسکن و دوا و غیره مطابق شأن زن و قدرت مرد، بر شوهر هیچ اشکالی ندارد» (محسنی: ۱۳۸۱، ص ۳۱).

وجوب تمکین برای زن مستلزم تولید فرزند است و به تبع آن تربیت او را هم شامل می شود که در درجه اول زن عهده دار آن می باشد.

در جملات کوتاه ذکر شده به مطالب مهمی درباره زن و احکام اختصاصی او اشاره شده که هر کدام در جای خود قابل تجزیه و تحلیل است. وجوب تمکین زن در موقع ابراز میل و علاقه شوهر به مباشرت جنسی با همسر از نظر فقهی (کابلی: ۱۳۸۴، ص ۵۱۰)، موضوع مهم در زندگی مشترک زن و مرد و عامل سازگاری آنان در حیات خانوادگی است. این حکم چیزی است که همه فقهای مسلمان به آن اتفاق نظر دارند و منشأ آثار بسیار مثبت در استحکام نهاد خانواده می باشد. برعکس اغلب اختلافات خانوادگی که امروزه به صورت چشمگیری افزایش یافته و منجر به طلاق و جدایی همسران می شود، ریشه در مسائل خاص زناشویی دارند که زن یا شوهر کاملاً ارضاء نمی شوند. این امر، موجب رنجش، بهانه گیری، توهین و کنایه و طعنه در میان آن دو گشته به تدریج کینه و دشمنی در میان آنها پدید آمده به فروپاشی خانواده منتهی می گردد. به خصوص این مسئله در شهرها بیشتر مشاهده می شود و کارشناسان چنین ابراز می دارند که اغلب طلاقهای زن و شوهر ریشه در مشکلات جنسی و عدم ارضای کال آنها دارد.

۲. خانواده و حجاب زنان

حجاب از احکام مهم اسلام است که آثار اجتماعی فراوانی بر آن ترتب می یابد و در خانه و جامعه تأثیر بسزا دارد. این حکم فقهی باید در فضای خانواده به فرزندان و مخصوصاً دختران منتقل شده و در آنها پرورش یابد. در مورد اصل وجوب حجاب بر زنان آیت الله محسنی این گونه بیان می دارد: «در فقه اسلامی بر زن واجب است بدن خود را از مرد نامحرم بپوشاند. ولی بنا بر اقوی واجب نیست گردی روی (صورت) و دو دست (از بنددست تا سر انگشتان) خود را بپوشاند» (محسنی: ۱۳۹۱، ص ۳۹). در ادامه می فرماید:

حجاب و تَسْتُرُّ از شوهر و محارم نسبی و رضاعی مانند برادر و پدر و جد و عمو و دائی (ماما) و پسر و پدر شوهر واجب نیست و نه نگاه کردن به همدیگر حرام است، بلکه زن و شوهر به عورت همدیگر نیز می‌توانند نظر کنند (همانجا).

در این عبارت به بیان اصل وجوب حجاب تصریح شده و اینکه بر زن واجب است خود را از نامحرم بپوشاند. تأکید در این بیان بر لزوم حجاب از نامحرم در محیط خانواده و بیرون خانواد، بر این نکته هم تصریح شده است که بین زن و شوهر هیچ محدودیت پوششی وجود ندارد و حتی آنها می‌توانند بدون ستر به عورت همدیگر نگاه کنند. از طرف دیگر پوشش زن در برابر غیر محارم شرعی مانند برادر شوهر و پسر عمو و پسر خاله در محیط خانه واجب است. چون آنان برای عروس و دختر خانواده محرم نیستند و می‌بایست احکام شرعی را رعایت کنند. این احکام باید در محیط خانواده به وسیله مادر به دختر تعلیم و منتقل شود و مهم‌تر از همه در عمل عملیاتی گردد تا بیرون از خانه رعایت آن بر او آسان باشد.

آیت‌الله محسنی در ادامه به مستثنیات حجاب زنان هم تصریح کرده می‌فرماید:

زن می‌تواند به روی (صورت) و کفین مرد نامحرم بدون قصد شهوت نگاه کند و حکم نظر او به بدن مرد به استثنای عورت از نظر دلیل شرعی چندان روشن نیست، ولی شاید قول به حرمت مشهور باشد و این قول مطابق احتیاط است. در نظر کردن مرد به بدن زن متدین باحجاب - حتی زن برادر و خواهر زن و دختران عمو و خاله و ماما (دایی) - ظاهراً اختلافی نیست که حرام و ممنوع است (همانجا).

استثنای حجاب مانند جواز نگاه به صورت و کفین نامحرم مشروط به نبودن قصد ریبه و فقدان شهوت است که در این صورت حتی این نوع نگاه هم به لحاظ فقهی جواز ندارد و حرام می‌باشد. توجه به این نکات فقهی و تربیتی برای خانواده‌ها و به‌ویژه زنان و دختران بسیار اهمیت دارد و نباید از آن غفلت ورزند.

در مجموع زن نباید به گونه‌ای در کوچه و خیابان راه برود که جلب نظر کند و نگاه نامحرم را به خودش جذب نماید. اما به نظر آیت‌الله زن در انتخاب نوع لباس صاحب اختیار است. در این زمینه می‌گوید:

اسلام برای حجاب زن لباس مخصوصی معین نکرده است، زن می‌تواند لباس خود

را مطابق سلیقه خود انتخاب کند، منتهی دو چیز را در لباس حجابی خود مراعات کند: یکی اینکه لباس آنقدر نازک نباشد که رنگ پوست بدن از زیر آن نمایان باشد که در واقع حجاب نیست. دوم اینکه برجستگی بعضی از اعضای بدن او مانند پستانها و رانها آشکارا نباشد که موجب هیجان و شهوت مردان گردد (همانجا).

فایده حجاب به لحاظ تربیتی در حقیقت چیزی است که به خود زنان برمی‌گردد و عزت و شخصیت آنان در خانواده و جامعه افزایش پیدامی‌کند. بدون حجاب هیچ زنی شخصیت و وقار لازم را ندارد و هیچ مردی به او اعتماد نمی‌کند. آیت الله محسنی به آثار زیانبار بی‌حجابی در غرب اشاره کرده می‌گوید:

باید هیچ کس انکار نکند که برهنگی اندام زن در کوچه و بازار یکی از عوامل مهم مشکلات اجتماعی در غرب است. مرد طبیعتاً به زن علاقه مند است و تمتع بردن از زن از شیرین‌ترین تمتعات مرد است و زن به خاطر احساساتی که دارد زود تحت تأثیر اظهار دوستی مرد قرار می‌گیرد (همانجا).

سپس ایشان به پیامدهای نامطلوب آزادی زن در غرب اشاره کرده می‌فرماید:

ارتباط آزاد زن و مرد که با بی‌حجابی و فیشن و زینت زن همراه باشد پیامدهای زیادی دارد که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم: (۱) متزلزل شدن موقعیت زن در نظر شوهرش؛ (۲) فریفته شدن روز افزون مردان به زنان؛ (۳) روابط غیر اخلاقی مردان و زنان شوهردار؛ (۴) عدم اطمینان به نسب (همانجا).

این آثار در جامعه غرب در اثر فقدان حجاب زنان و بی‌بندوباری آنان است که همیشه رو به فزونی نهاده و پیامدهای منفی آن هر روز بیشتر می‌شود. حداقل این آثار منفی مورد اشاره در کلام آیت الله محسنی هر کدام در نظر اسلام بسیار مهم و آسیب‌زا است که خانواده و جامعه را متلاشی می‌کند.

۳. خانواده عامل انتقال سنتها و ارزش‌های دینی و ملی به نسل جوان

خانواده عامل اصلی انتقال سنت، فرهنگ، ارزش‌ها و آداب و رسوم دینی و اجتماعی به نسل جوان است. «سنت» کلمه‌ای است رایج و کثیر الاستعمال در زبان خاص و عام و این

واژه در منابع واژه شناسی به معانی چون شیوه، هنجار، رسم واجب، قانون، حکم و فرمان به کار رفته است (آذرتاش: ۱۳۸۱) ص ۳۰۳). واژه سنت در عرف جامعه بیشتر به رسم و رسوم اطلاق می شود و به همین مفهوم نیز به کار می رود. هر گاه سخن از سنتهای اجتماعی است، منظور همان عنعنات و رسم و رواج عمومی در میان مردم و اقوام می باشد. این رسم و رواجها هم جنبه فرهنگی-دینی دارند و هم بعد اجتماعی؛ بدین معنا که بسیاری از رفتارها مثلاً در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده جنبه دینی و فرهنگی دارد و از دین مایه می گیرد ولی بستر ظهور این گونه رفتار خانواده و جامعه است. به نحوی که اگر خانواده ای از این رفتارها سرپیچی کند، مورد ملامت و مذمت جامعه قرار می گیرد. از این رو، سنتها جایگاه مستحکم و بلندی در جامعه افغانستان دارد و در تصمیم گیریها و برنامه های سیاسی اجتماعی تأثیر گذار می باشد. این سنتها و همچنین ارزش های اجتماعی و فرهنگی به وسیله نهاد خانواده به فرزندان انتقال می یابد. انتقال میراث فرهنگی و اجتماعی به نسل جوان به وسیله خانواده امری است که در تعلیم و تربیت مورد توجه کارشناسان قرار داشته و همه بر آن تأکید کرده اند.

نکته قابل توجه اینکه جامعه افغانستان به عنوان یک کشور وسیع، دارای ولایات و مناطق ناهمگون و متشکل از اقوام و نژادها و مذاهب مختلف، طبعاً از سنتهای متفاوت تبعیت می کند و نباید انتظار داشت که فرهنگ واحدی در سراسر این کشور حاکم باشد. چه اینکه مردم ساکن در یک جامعه کوچک مانند یک ولایت یا ولسوالی معمولاً نگرش مخصوصی به تعلیم و تربیت زنان و دختران دارند و این نگرش آنان آمیخته به سنت و فرهنگ محلی همان منطقه است. به همین علت، نگرشهای مبتنی بر خرده فرهنگهای حاکم در ولایات افغانستان، عامل ایجاد روش خاصی در تعلیم و تربیت زنان در آن ولایت شده است. این سنت و فرهنگ به وسیله خانواده ها به نسل جوان و در نتیجه به جامعه منتقل شده است. اگر سنتهای محلی ولایات کشور را به لحاظ جغرافیای، قومی - نژادی و مذهبی بررسی کنیم، تفاوت های چشم گیری در تعلیم و تربیت زنان و دختران دارند، ولی این کار در این مقاله نمی گنجد.

آیت الله محسنی از جمله عالمان دین و دانشمندان معروفی است که در جامعه افغانستان زندگی کرده و در همین سرزمین به تحصیل و تحقیق و تدریس و فعالیت‌های علمی و آموزشی پرداخته است. او از عمق جان به اثرگذاری نظام خانواده باور داشت و بر اهمیت آن در حیات آدمی معتقد بود. ایشان بر این باور بود که خانواده مهم ترین محل انتقال فرهنگ، سنت و آداب اجتماعی به فرزندان و نسل جوان است. از این رو ایشان همیشه در جهت تقویت این نهاد مقدس سخن گفته و تلاش نموده است. آیت الله محسنی در موضوع آموزش و تحصیل زنان می گوید:

برای تدریس دختران و زنان نیز باید فکری بشود، نگارنده در شهر قندهار مدرس پیری را برای جمعی از دختران منصوب نموده بودم که تا کنون جمعی از آنان به سخنرانی‌های دینی مشغولند و در ایام جهاد نیز کار می‌کردند و بیان مسایل پیچیده حیض و نفاس و استحاضه و تصحیح قرائت نماز و غیره توسط زنان دانشمند برای زنان بهتر است. و در بعضی از کشورهای همسایه این کار به صورت گسترده صورت گرفته است، خدا به همه مسلمانان - چه زن و چه مرد - توفیق علم و عمل را بدهد (محسنی: ۱۳۸۱، ص ۱۷).

این کار، نمونه عملی و اجرایی فرایند تعلیم و تربیت است که به وسیله شخص ایشان در جامعه عرضه شده و قشر زن و دختر را در آن پرورش داده به جامعه تحول کرده است.

۴. خانواده عامل اصلاح جامعه

هدف اجرای احکام فقهی در محیط خانواده اصلاح اعضای آن و تربیت صحیح آنها است که در این صورت با ورود افراد صالح به اجتماع به تدریج جامعه هم شایسته و با صلاحیت می‌شود. چرا که خانواده سلول اصلی جامعه است و از همین خانواده‌ها است که جامعه تشکیل می‌شود. بر این اساس، یقیناً با اصلاح خانواده‌ها و نسل جوان تربیت یافته در آن، جامعه نیز اصلاح می‌گردد. همان گونه که مشاهده تاریخی و عینی نیز این مطلب را تأیید می‌کند. هر جامعه‌ای که از صلاحیت برخوردار بوده و انحرافات اخلاقی و جرم و جنایتی کمتر در آن رواج داشته، قطعاً محصول فعالیت‌های تربیتی پدران و مادران و مربیان دلسوز بوده است. امروزه نیز

همین طور است و هر جا قوم و جامعه‌ای از موفقیت و صلاحیتهای لازم برخوردار می‌باشد، در اثر تربیت درست و تأثیر گذار نسل جوان است. رعایت حجاب در خانه یکی از موارد عمل به احکام فقهی است که پدر و مادر می‌بایست نسبت به فرزندان و به‌ویژه دختران عملیاتی سازند. زیرا رعایت پوشش اسلامی در خانه و جامعه زمینه ساز بسیاری از عمل به ارزش‌های دینی و دوری از رذایل اخلاقی است.

برعکس عدم رعایت حجاب در خانه و جامعه ریشه گناهان بسیاری است که نمونه‌های آن در جوامع غربی آشکارا مشاهده می‌شود. آیت‌الله محسنی در گزارشی از وضعیت اجتماعی جامعه غرب این گونه بیان می‌دارد. در غرب باور عامه مردم چنین است که کثرت فحشاء و عوارض آن مانند ایدز و سرطان رحم و غیره محصول بی‌حجابی و بی‌بندوباری در جامعه است. ضعف امنیت اجتماعی در اثر تنازعات و حتی خون‌ریزی در اثر تجارت جنسی و روابط نامشروع می‌باشد. تضعیف اعتماد زن و شوهر به عفت یکدیگر و وجود ۴۵ میلیون مبتلا به مرض ایدز بزرگترین دلیل بر بی‌عفتی حاصل از آزادی مطلق فردی است. همچنین مصائب اجتماعی و روانی اطفال نامشروع؛ مثلاً در آمریکا و انگلستان احتمالاً نصف شناسنامه‌ها و تذکره‌های نسل جوان فقط نام مادر را دارد نه نام پدر، این زیادی اطفال نامشروع ناشی از بی‌حجابی است. محروم شدن اطفال از پرورش مادری، چون در فرض بی‌حجابی، خانه نشینی عادی زن به بازارگردی بی‌رویه او مبدل می‌شود و امثال این مشکلات؛ مانند بی‌علاقه‌گی فرزندان به مادران و پدران در سن پیری و این بی‌رغبتی فقدان والدین با اولاد در سن طفولیت آنان می‌باشد (محسنی: ۱۳۵۱، ص ۴۲).

تجزیه و تحلیل

نگاه کلی به زندگی، شخصیت، فعالیت، آثار و مراکز باقی مانده از آیت‌الله محسنی در کشورهای اسلامی و به‌خصوص کشور افغانستان، گواه روشن بر اهتمام ایشان به موضوع خانواده و اثربخشی آن در زندگی سیاسی - اجتماعی عموم مردم است. فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی او در بخش نسوان، همان طور که به گفته خودشان در سالهای اولیه فعالیت‌های

علمی در شهر قندهار انجام داده است، نشان دهنده اهتمام وی به نسوان و زندگی آنان است. قطعاً در آن زمان پرداختن به آموزش زنان اولاً مرسوم نبوده و ثانیاً شاید با مخالفت بزرگان قوم و حتی علمای موجود مواجه بوده است. ولی در عین حال آیت‌الله محسنی از آن زمان تعلیمات نسوان جزو برنامه‌های علمی و فرهنگی ایشان بوده و بدین منظور مکان تعلیم و معلم و دیگر امکانات را فراهم آورده است. طبعاً تعلیم و تربیت زنان و دختران به صورت مستقیم در کیفیت بخشیدن به ازدواج و تشکیل خانواده و استحکام آن نقش اساسی ایفا می‌کند. این، چیزی است که برآیند و نتیجه فعالیت‌های علمی آیت‌الله محسنی در ارتباط با نسوان است.

حوزه علمی حضرت خدیجه کبراء علیها السلام از مراکز اختصاصی آیت‌الله محسنی در زمینه تعلیم و تربیت نسوان است که به دست خودشان تأسیس، برنامه ریزی و به مرحله اجرا رسیده است. این مرکز علمی و پژوهشی که همزمان با تأسیس حوزه عملیه خاتم النبیین صلی الله علیه و آله - ۱۳۸۶ - بنا شد و به موازات آن به فعالیت‌های علمی و پژوهشی پرداخت. این مرکز همان گونه که اشاره شد، به تعلیم و تربیت نسوان مسلمان بدون محدودیت مذهبی می‌پردازد، معارف اسلامی را به بانوان کشور ارائه داده آنان را با معارف و احکام دینی آشنا ساخته برای زندگی در جامعه مدرنی آماده می‌سازد. همان گونه که در اهداف تعلیمی مدرسه آمده است در رشته‌های مختلف و به‌ویژه علوم و تفسیر قرآن کریم، اخلاقی اسلامی و دانش‌های روز محصل می‌پذیرد. از جمله علوم مورد آموزش در این مدرسه علمیه پرداختن به احکام و دانش‌های مربوط به خانواده و تربیت اولاد و چگونگی زندگی مشترک زن و مرد است که برای خانواده و سازگاری در آن از اهمیت فوق العاده برخوردار می‌باشد.

نتیجه

آنچه در مقاله ذکر شد در مجموع به این نتیجه رهنمون گردید که خانواده جایگاه ویژه در حیات آدمی دارد و همچنین در اندیشه آیت‌الله محسنی از اهمیت خاصی برخوردار است که می‌توان در تبیین دیدگاه ایشان در این زمینه مقالات و کتاب‌های متعددی تدوین کرد. ولی در این نوشتار

تنها به گزیده‌هایی از نظرات او در مورد کارکرد فقهی و تربیتی خانواده اشاره شد. با این حال در صورت شکل‌گیری صحیح نهاد خانواده و تحقق کارکردهای یادشده در دو بخش فقهی - معنوی و تربیتی - اجتماعی آسیب‌های احتمالی کمتر سراغ زندگی مشترک همسران آمده و به نتایج مطلوب مادی و معنوی و اخصاً تربیت صحیح اولاد خواهد رسید. مدیریت درست خانواده به وسیله مرد و آماده‌سازی امکانات لازم برای زندگی و همچنین اطاعت زن و نیز سازگاری آنان در خانه در رشد و بالندگی نظام خانواده تأثیر بسزا دارند.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه: آیت الله ناصر مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه: محمددشتی قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ۱۳۷۸.
- آذرتاش آذرتوش، فرهنگ معاصر (عربی-فارسی)، تهران، نشرنی، ۱۳۸۱.
- آیت الله محسنی، محمد آصف، تقریب مذاهب؛ از نظر تا عمل، تهران، ادیان، ۱۳۸۶.
- _____، توضیح المسائل سیاسی، کابل، مسلکی افغان، ۱۳۹۱.
- _____، زن در شریعت اسلامی، کابل، حوزه علمیه خاتم النبیین، ۱۳۹۱.
- _____، فوائد دین در زندگانی، کابل، مطبعه بلخ، ۱۳۵۱.
- _____، وظیفه علمای ما، کابل، ۱۳۸۱.
- آیت الله محقق کابلی، قربانعلی، توضیح المسائل، قم، چاپ اول، مرکزانتشارات دارالنشر اسلام، ۱۳۸۴.
- آیت قنبری، نقدی بر لیبرالیسم و اومانیزم، قم، فراز اندیشه، ۱۳۸۳.
- اعزازی، شهلا، جامعه شناسی خانواده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶.
- امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
- اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، تحقیق و نگارش: سیدنقی موسوی، قم، مؤسسه اشراق، ۱۳۹۱.
- بهشتی، محمد، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، قم، پژوهشگاه فرهنگ و ادیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
- تقوی، سید مرتضی، جایگاه فقه در اندیشه دینی، قم، مجله فقه اهل بیت، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۴.
- حییم، سلیمان، فرهنگ معاصر میانه (انگلیسی-فارسی)، ۱۳۸۷.
- راغب، محمد، المفردات فی غرایب القرآن، تحقیق عدنان داودی، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۶ق.
- الزحیلی، وهبة، الاسرة المسلمة فی العالم المعاصر، مصر، دارالفکر، ۱۴۲۰ق.
- سیوطی، جلال الدین، المنشور فی التفسیر بالمأثور، مکتبة المرعشی، قم، ۱۴۰۴هـ.
- شیخ صدوق، محمد، الخصال، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق.
- طاهری، حبیب الله، بررسی مبانی فرهنگ غرب و پیامدهای آن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضة الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا.

- فرجاد، محمدحسین، آسیب شناسی اجتماعی خانواده و طلاق، انتشارات منصورى، ۱۳۷۲.
- فیروزآیادی، محمد، القاموس المحيط، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- القصیر، عبدالقادر، الاسرة المتغيرة فى المجتمع المدينة العربیه، بیروت، دار النهضة العربیه، ۱۹۹۹م.
- کلینی، محمد، اصول کافی، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- گرجی، ابوالقاسم، تاریخ فقه و فقهاء، تهران، سمت، ۱۳۷۷.
- لطفی مرزناکی، رحمان، دفاع هوشمند در اندیشه امام خامنه ای، تهران، انتشارات آوای سبحان، ۱۳۹۴.
- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، بی تا.
- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات سُرایش، ۱۳۸۷.
- موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت عليهم السلام، قم، موسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳ق.

<http://www.mihanblog.com/post/.siasy1>.

http://stu.sharif.ir/index.php?option=com_content&view